



## سرمقاله

## ابعاد چندلایه همکاری ایران و چین در فرآیند بازسازی

### اهمیت راهبردی سرعت بازسازی در اقتصاد سیاسی جنگ (۲)

♦ | با در نظر گرفتن اهمیت سرعت بازسازی در اقتصاد سیاسی جنگ، همکاری ایران و چین می تواند از سطح یک تعامل اقتصادی صرف فراتر رفته و به یک پروژه راهبردی چندلایه تبدیل شود که در آن منافع انرژی، کریدورهای تجاری و رقابت ژئواکونومیک به طور هم زمان لحاظ می شود. این همکاری در پیوند سه اصل ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و اقتصادی معنا پیدا می کند و هر سه اصل می توانند نقش تسهیل کننده و شتاب دهنده در روند بازسازی داشته باشند.

نخست، بازسازی زیرساختی در چارچوب کریدورهای ژئواکونومیک اهمیت محوری دارد. ایران یک گره ژئوپلیتیک میان شرق و غرب است و بازسازی زیرساخت هایی مانند خطوط ریلی، بنادر و

شبکه های لجستیکی تنها پروژه هایی داخلی نیستند، بلکه می توانند در قالب شبکه ترانزیتی چین بازتعریف شوند. توسعه راه آهن شرق-غرب، تقویت بنادر جنوبی و ایجاد هاب های لجستیکی چندوجهی سبب می شود بازسازی ایران در یک شبکه جهانی ادغام شود و چنین ادغامی می تواند محرکی اساسی در سرعت بخشی بازسازی باشد.

دوم، مدل «انرژی در برابر زیرساخت» یکی از واقع بینانه ترین سازوکارهای همکاری است. ایران می تواند نفت و گاز صادر کند و چین در مقابل پروژه های زیرساختی و صنعتی را اجرا کند. این سازوکار علاوه بر دور زدن محدودیت های مالی و تحریم ها، امکان تأمین مالی پایدار را فراهم می کند و از سوی دیگر بازار بلندمدت انرژی چین را تضمین می سازد.

سوم، تمرکز بر انرژی و صنایع وابسته از منظر ژئواکونومیک اهمیت ویژه دارد. توسعه میادین نفت و گاز، بازسازی پالایشگاه ها، نوسازی پتروشیمی ها و گسترش زنجیره ارزش انرژی می تواند ایران را از خام فروشی فاصله دهد و چین را به منابع پایدار انرژی متصل نگه دارد.

چهارم، انتقال فناوری و بازسازی صنعتی است. چین به طور طبیعی نقش پیمانکار و تأمین کننده فناوری را ایفا خواهد کرد. از نوسازی شبکه برق تا توسعه صنایع سنگین و ورود به حوزه های دیجیتال، ظرفیت همکاری گسترده ای وجود دارد. البته این انتقال فناوری معمولاً کنترل شده است و به همین دلیل سرعت نوسازی ظاهری

ممکن است بیشتر از عمق تحول فناورانه باشد. پنجم، بازسازی مالی و ایجاد سازوکارهای موزی اهمیت اساسی دارد. استفاده از یوان، ایجاد بانک های مشترک و استفاده از پوشش های بیمه ای دولتی چین عملاً یک اکوسیستم مالی غیرغربی ایجاد می کند که می تواند مانع عمده بازسازی یعنی محدودیت مالی بین المللی را تخفیف دهد.

در مجموع، همکاری ایران و چین در بازسازی، در برهم کنش سه سطح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و اقتصادی شکل می گیرد و می تواند در صورت طراحی صحیح، دوره پساجنگ را از یک دوره ترمیمی کند به یک مرحله فرصت آفرین و جهش ساز بدل کند؛ به ویژه اگر با همان اصل کلیدی یعنی «سرعت» همراه شود. ♦

### تحولات ژئوانرژی و اقتصاد کلان بین الملل



## تحولات دریایی تنگه هرمز، جهش هسته ای چین و نشانه های جدید تورمی اروپا

نقص در مدارک و دستکاری سامانه های ناوبری توقیف و به سواحل ایران هدایت شده اند. اختلال یا خاموشی عمدی در سامانه AIS طبق مقررات سازمان بین المللی دریانوردی رفتاری پرریسک محسوب می شود و می تواند موجب افزایش هزینه های بیمه و بالا رفتن رتبه ریسک مسیرهای دریایی شود.

در کنار این تحولات، تجربه مدیریت انرژی ژاپن همچنان به عنوان نمونه ای مهم از سازگاری بلندمدت با بحران های انرژی مورد توجه است. ریشه این الگو به بحران نفت ۱۹۷۳ بازمی گردد؛ زمانی که جهش چهاربرابری قیمت نفت رشد اقتصادی ژاپن را از حدود ۱۰ درصد به نزدیک صفر رساند و در نهایت به تأسیس مرکز ملی صرفه جویی انرژی در سال ۱۹۷۸ انجامید. تداوم استفاده از نفت سفید برای گرمایش و حضور کرسی در سبک زندگی ژاپنی نیز بخشی از همان سازگاری تاریخی است که امروز در مطالعات بهره وری انرژی به عنوان نمونه ای از انطباق فرهنگی با بحران انرژی مورد اشاره قرار می گیرد. مجموع این تحولات از ناامنی های مقطعی در دریاهای جنوب تا رقابت هسته ای شرق آسیا و فشارهای تورمی اروپا بار دیگر پیوند عمیق ژئوانرژی و اقتصاد جهانی را آشکار می کند؛ جایی که هر تحول در حوزه انرژی می تواند به سرعت در تورم، امنیت عرضه و هزینه های تجارت بین الملل منعکس شود.

داده های تازه Global Energy Monitor نشان می دهد چین در مسیر تبدیل شدن به بزرگ ترین دارنده ظرفیت برق هسته ای جهان قرار دارد. این کشور در حال حاضر با ۶۱ گیگاوات ظرفیت نصب شده در رتبه سوم قرار دارد، اما با تکمیل پروژه های در دست ساخت، ظرفیت آن می تواند به ۱۸۶ گیگاوات برسد؛ رقمی فراتر از ظرفیت کنونی ایالات متحده و فرانسه. توسعه هسته ای چین عمدتاً بر فناوری شکافت هسته ای، نسل های جدید راکتورها و راکتورهای مدولار کوچک (SMR) متمرکز است؛ فناوری هایی که در سال های اخیر به عنوان ابزار تقویت امنیت تأمین انرژی و کاهش شدت کربن مورد توجه قرار گرفته اند.

در حوزه اقتصاد کلان، داده های تورمی بریتانیا نیز نگرانی ها درباره فشارهای قیمتی را افزایش داده است. تورم مصرف کننده در ماه مارس به ۳.۳ درصد رسیده که نسبت به ۳.۰ درصد در فوریه افزایش نشان می دهد. بانک مرکزی انگلیس این روند را تا حدی ناشی از افزایش هزینه های حمل و نقل، انرژی و تنش های ژئوپلیتیکی مؤثر بر قیمت کالاهای وارداتی می داند؛ عواملی که می توانند بر مسیر سیاست پولی اروپا نیز اثرگذار باشند.

همزمان، فرماندهی نیروی دریایی سپاه اعلام کرده دو کشتی تجاری با نام های MSC-FRANCESCA و EPAMINODES به دلیل

ارزیابی زیرساخت های حیاتی انرژی در خلیج فارس؛

ظرفیت تولید، فرآورش و صادرات

## بانک اهداف نفتی ایران به روز شد

در روز است و بخش عمده صادرات فرآورده های نفتی کویت از طریق این دو مجتمع انجام می گیرد.

در قطر، مجتمع صنعتی راس لفان (Ras Laffan) به عنوان بزرگ ترین مرکز مایع سازی گاز طبیعی در جهان شناخته می شود. این مجموعه با ده ها واحد مایع سازی، ظرفیت تولیدی بیش از ۷۷ میلیون تن LNG در سال را در اختیار دارد و سهم قابل توجهی در تأمین گاز طبیعی مایع برای بازارهای آسیایی و اروپایی ایفا می کند. در بحرین، میدان نفتی ابوصفا یکی از منابع اصلی تولید نفت این کشور محسوب می شود و در کنار آن پالایشگاه ستره (Sitra Refinery) با ظرفیت پالایشی حدود ۲۶۰ تا ۲۷۰ هزار بشکه در روز یکی از مراکز مهم پالایش و صادرات فرآورده های نفتی در شمال خلیج فارس به شمار می رود. نزدیکی این پالایشگاه به مسیرهای اصلی کشتیرانی انرژی در منطقه، جایگاه آن را در شبکه تجارت نفت و فرآورده های نفتی تقویت کرده است.

فرآورده هایی مانند گازوئیل، نفتا و سوخت جت دارد.

در عربستان سعودی، میدان نفتی غوار با ظرفیت تولید اسمی ۳/۸ تا ۴ میلیون بشکه در روز بزرگ ترین میدان نفتی خشکی جهان است و طی دهه های گذشته بیش از ۵۰ درصد از تولید تجمعی نفت عربستان را تأمین کرده است. نفت تولیدی این میدان عمدتاً به تأسیسات فرآورش ابقیق (Abqaiq) منتقل می شود؛ مجموعه ای که با ظرفیت فرآورش بیش از ۷ میلیون بشکه در روز بزرگ ترین مرکز تثبیت و شیرین سازی نفت خام در جهان به شمار می آید و نقش تعیین کننده ای در آماده سازی نفت برای صادرات دارد.

در کویت، میدان بورگان با تولید تاریخی حدود ۱/۶ تا ۱/۷ میلیون بشکه در روز دومین میدان بزرگ نفتی جهان محسوب می شود و ستون اصلی تولید نفت این کشور است. نفت استخراج شده در این میدان عمدتاً به پالایشگاه های مینا عبدالله و مینا الاحمدی منتقل می شود که مجموع ظرفیت پالایشی آن ها نزدیک به ۹۵۰ هزار بشکه

میدان فراساحلی Upper Zakum در امارات متحده عربی یکی از بزرگ ترین میادین نفتی دریایی جهان به شمار می رود که ظرفیت تولید آن از مرز ۱ میلیون بشکه در روز فراتر رفته و بخش مهمی از تولید نفت امارات را تأمین می کند. این میدان با ذخایر قابل برداشت چندین میلیارد بشکه ای، از طریق شبکه ای گسترده از سکوهای فراساحلی و خطوط انتقال، نفت خام را به تأسیسات فرآورش و پایانه های صادراتی منتقل می کند. در همین کشور، مجتمع گازی حبشان به عنوان یکی از بزرگ ترین مراکز فرآورش گاز در خاورمیانه فعالیت دارد و روزانه بیش از ۳ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی را شیرین سازی و فرآورش می کند؛ ظرفیتی که خوراک بخش مهمی از صنایع پتروشیمی و نیروگاهی امارات را فراهم می سازد. در ادامه زنجیره ارزش انرژی، پالایشگاه روپس (Ruweis) با ظرفیت پالایشی بیش از ۸۰۰ هزار بشکه در روز یکی از بزرگ ترین مجتمع های پالایشی جهان محسوب می شود و سهم قابل توجهی در صادرات